

شرق

با شروع فصل پاییز آلودگی هوا به پایتخت بازگشته و وضعیت بحرانی کرونا را دشوارتر کرده است./ عکس: مصطفی رودکی، میزان



رسانه

درباره سکوت روزنامه‌ها در مرگ تلخ خانواده «ایران‌نژاد»

یک خطای حرفه‌ای؟

شود یا ارزش پرداختن در قالب‌هایی چون یادداشت‌، گفت‌وگو، خبر یا سرمقاله را پیدا کند، باید شامل چیزی باشد که درس اول روزنامه‌نگاری است: ارزش‌های خبری. تعدد همین ارزش‌های خبری هم هست که شورای تحریریه و سردبیری هر رسانه‌ای را به این نتیجه می‌رساند که خبر، گزارش یا گفت‌وگویی، ارزش نشستن بر صفحه اول را دارد یا خیر. آن چیزی هم که خبر مرگ تلخ خانواده ایران‌نژاد را مهم می‌کند و شایسته بازتاب در صفحه اول، این واقعیت حرفه‌ای است که این رویداد حداقل پنج ارزش مهم خبری را دارا بود و از همین رو شایسته دیده‌شدن و بازتاب در صفحه اول.

این اتفاق، برای مخاطب ایرانی «مجاورت» داشت؛ اصل مجاورت به ما می‌گوید که همه مردم جهان علاقه‌مند هستند تا در درجه نخست خبرهای مربوط کشور خود را بدانند؛ اینکه پنج هم‌وطن در جایی نزدیک انگلستان غرق، کشته یا مفقود شده‌اند، بی‌شک به ما بسیار «مربوط» است.

این اتفاق، برای مخاطب ایرانی «بزرگی» داشت؛ اصل بزرگی به معنای فراوانی است؛ یعنی هر چقدر میزان شمار افراد درگیر رویداد یا تلفات جانی حادثه‌ای بیشتر باشد، اهمیت خبر فارغ از بحث‌های عاطفی بیشتر خواهد شد. در این موضوع خاص، هم جان‌باختن و مفقودی تمامی اعضای یک خانواده شامل اصل بزرگی است هم حوادث مشابهی که همواره در زمینه مهاجرت‌های پر خطر ایرانیان و برخی دیگر از مردم کشورها مطرح است.

این اتفاق برای مخاطب ایرانی «عجیب» بود. اینکه پدر و مادری با درک خطرات پیش‌بینی‌شده، راه مهاجرت آن هم از نوع ژئوپرسک آن را در پیش بگیرند، عجیب است. این عجیب‌بودن وقتی بیشتر به چشم می‌آید که آنها با سه کودک از جمله کودک خردسال خود را این سفر دریایی را در پیش گرفته بودند.

این اتفاق برای مخاطب ایرانی، «تازگی» داشت. هیچ رویدادی نمی‌تواند بدون داشتن ارزش تازگی، عنوان خبر را به خود اختصاص دهد؛ فاصله بین زمان وقوع رویداد و انتشار خبر شامل ارزش خبری تازگی است. این حادثه



پژانموسوی روزنامه‌نگار

مرگ تلخ و دسته‌جمعی خانواده ایران‌نژاد، یک خانواده‌گرد اهل ایران در خلیج مانش، اواسط هفته گذشته فضای رسانه‌ای کشور انگلستان به‌عنوان مقصد سفر ناتمام آنها را به تمامی متأثر از خود کرد. روزنامه‌های معتبر و جریان‌ساز انگلیس، این واقعه را پوشش گسترده دادند و تمام یا بخشی از صفحه اول خود را به بازتاب این حادثه اختصاص دادند. مفقودشدن آرن ایران‌نژاد پسر ۱۵ساله خانواده و تصاویری که از او بر پیشخوان صفحه اول این روزنامه‌ها نشست نیز، ابعاد تلخ و تراژیک این واقعه را شدیدتر کرد و روزنامه‌های صبح لندن تلاش کردند هرکدام از زاویه نگاه خود به این رویداد و تبعات گسترده آن بپردازند.

آن روز صبح در تهران، پایتخت کشور مبدأ اما خبری نبود. نه روزنامه‌ای این حادثه تلخ را در صفحه اول خود بازتاب داده بود نه خبرگزاری‌ها و وب‌سایت‌های معتبر این واقعه را در حدوا‌ن‌زاه‌ای که باید، دیده بودند؛ انگار نه خانی آمده و نه خانی رفته بوده؛ همین بی‌توجهی مطلق هم بود که انتقادها و اعتراض‌هایی را برانگیخت و عدم پوشش خبری این رویداد، یکی از دلایلی عنوان شد که چرا مردم به روزنامه‌ها توجه خاصی ندارند و خرید و مطالعه روزنامه، دغدغه‌شان نیست.

در این یادداشت، فارغ از چرایی این سفر ژئوپرسک و تحلیل دلایلی که منجر به این نوع مهاجرت‌های بی‌سرانجام می‌شود، استدلال خواهیم کرد که چرا عدم پوشش خبری و تحلیلی این رویداد در صفحه اول

روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها، یک خطای حرفه‌ای بود و

اینکه چرا روزنامه‌ها باید به این رویداد تلخ و تراژیک به‌صورت گسترده توجه نشان می‌دادند.

هر رویداد، اتفاق، حادثه، اظهارنظر یا سوز‌های، برای آنکه دسته‌مای یک گزارش توصیفی، خبری و تحلیلی در هفته گذشته مدیران عامل سه شرکت اینترنتی بزرگ جهانی یعنی فیس‌بوک، گوگل و توئیتر در برابر اعضای کمیته بازگانی سنا حاضر شدند تا درباره ماده ۲۳۰ قانون شایستگی ارتباطات شهادت دهند. چندوقتی است که مدیران شرکت‌های بزرگ اینترنتی در دنیا با مقام‌های ایالات متحده آمریکا درباره سیاست‌های اطلاع‌رسانی در اینترنت دچار چالش شده‌اند و این مسئله با نزدیک‌ترشدن به زمان انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا جدی و جدی‌تر هم می‌شود. مدیران عامل توئیتر و فیس‌بوک متهم به مسدودسازی لینک مقاله‌های نیویورکیست هستند، به نظر می‌رسد که فیس‌بوک و سایر شبکه‌های اجتماعی سخت در تلاش هستند تا از انتشار اخبار جعلی و دروغین جلوگیری کنند. درآستانه انتخابات، فیس‌بوک تعدادی از حساب‌های کاربری را حذف کرده است. از این‌رو مجلس سنا چندی‌پیش مدیرعامل شرکت‌های فیس‌بوک، توئیتر و گوگل را برای پاره‌ای

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۰ آبان ۱۳۹۹ • ۱۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ • ۳۱ اکتبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۵۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۹

اذان صبح فردا ۵:۰۲ • طلوع آفتاب ۶:۲۷

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌روز

نور نوشت

ترجمه: سامان توکلی

روان‌پزشک



کووید۱۹ در سراسر دنیا بحران ایجاد کرده و این بحران آزمونی برای مدیریت ایجاد کرده است. در فقدان گزینه‌های خوب برای مبارزه با یک عامل بیماری‌زای نوین، کشورها مجبور شده‌اند در مواجهه با آن تصمیماتی دشوار بگیرند. اینجا در ایالات متحده، رهبران‌مان در این آزمون شکست خوردند. آنان که بحران را تحویل گرفتند و آن را تبدیل به یک فاجعه کردند. ابعاد این شکست و ناتوانی شگفت‌انگیز است. بر اساس اعلام «مرکز علوم و مهندسی سیستم‌ها در جانش هاپکینز»، ایالات متحده در زمینه تعداد مبتلایان و مرگ ناشی از کووید۱۹ رتبه اول را در جهان دارد و از این نظر از کشورهایی بسیار بزرگ‌تر، مانند چین، به شکل درخورتوجهی آمار بالاتری دارد. نرخ مرگ [ناشی از کووید۱۹] در ایالات متحده بیشتر از دویروبار کاناداست. آمار آن از زاین که جمعیت آسیب‌پذیر و سالمند بالاتری دارد، با فاکتوری تقریباً برابر ۵۰ و حتی از نرخ کشورهای با درآمد پایین تا متوسط، مانند ویتنام با فاکتوری تقریباً برابر دوهزار بالاتر است. کووید۱۹ یک چالش سهمگین است و عوامل متعددی در شدت آن نقش دارند. اما آن عاملی که می‌توانیم بر آن کنترل داشته باشیم، نحوه رفتار خودمان است و رفتار ما در ایالات متحده به شکلی ثابت و مداوم، نامناسب بوده است. می‌دانیم که می‌توانستیم بهتر عمل کنیم، چین که با نخستین طغیان این بیماری روبه‌رو شد، بعد از یک تأخیر اولیه، انجام فرظینه و جداسازی سخت را انتخاب کرد. این اقدامات،

جدی و شدید اما مؤثر بودند و به شکلی ریشه‌ای انتقال بیماری را در نقطه‌ای که طغیان آن شروع شده بود، کاهش داد و نرخ مرگ را به سه نفر در یک میلیون نفر از جمعیت کاهش داد، درحالی‌که این میزان در ایالات متحده ۵۰۰ نفر در یک میلیون نفر است. کشورهایی که تبادلات بسیار بیشتری با چین داشتند، مانند سنکاپور و کره‌جنوبی به‌طور زودهنگام انجام وسیع آزمایش کووید۱۹ و ردیابی جدی و دقیق تماس‌ها و جداسازی متناسب را انجام دادند و [در نتیجه این اقدامات] طغیان‌های نسبتاً کوچکی از همه‌گیری را تجربه کردند و نیزبندل را به‌کارگیری اقدامات مشابه و نیز به دلیل برخورداری از امتیازهای جغرافیایی‌اش، توانست

بیماری را تقریباً ریشه‌کن کند و این امر اجازه داد که زمان تعطیلی را در کشور محدود کنند و بخش عمده جامعه را به سطح پیش از همه‌گیری جهانی بازگشایی کنند. به‌طورکلی، نه‌تنها بسیاری از دموکراسی‌ها بهتر از ایالات متحده عمل کرده‌اند بلکه این کار را با میزانی به درجات بسیار بالاتر از ما انجام داده‌اند. چرا ایالات متحده در مدیریت همه‌گیری تا این حد بد عمل کرده است؟ ما تقریباً در تمام گام‌ها شکست خورده‌ایم. ما هشدارهای کافی برای مواجهه با این بیماری را داشتم، اما وقتی برای نخستین بار به ما رسید، قادر به انجام مؤثر آزمایش برای این بیماری نبودیم و حتی نمی‌توانستیم پایه‌هایترین وسایل محافظت شخصی را برای کارکنان بخش سلامت و جامعه عمومی تأمین کنیم و همچنان در انجام آزمایش به میزان زیادی پایین‌تر از منحنی همه‌گیری قرار داریم. تعداد مطلق آزمایش‌های انجام‌شده به شکل قابل‌توجه افزایش داشته اما معیار مفیدتر در این زمینه عبارت است از تعداد تست‌های انجام‌شده به نسبت تعداد افراد مبتلا و این میزان ما را پایین‌ترین رده‌های لیست بین‌المللی، پایین‌تر از جاهایی مثل فرانقتان، زیمبابوه و اتیوپی، قرار می‌دهد که از زیرساخت‌های زیست‌پزشکی با ظرفیت تولیدی

ما برخوردار نیستند. علاوه بر آن، نتیجه عدم تأکید بر ظرفیت‌سازی این بوده است که نتایج آزمایش‌ها در ایالات متحده اغلب با تأخیر معلوم می‌شود که باعث می‌شود این نتایج برای کنترل بیماری مفید نباشند. ما بر فشاروری تمرکز کرده‌ایم اما اغلب مداخلاتی که در کنترل همه‌گیری اثرات بزرگی دارند، مداخلاتی پیچیده نیستند. ایالات متحده اِعمال ظرفِینه و جداسازی را دیر و نامداوم و اغلب بدون تلاش برای عملی‌شدن آن و در زمانی انجام داد که بیماری به شکلی وسیع در بسیاری از گروه‌های جمعیتی گسترش پیدا کرده بود. قواعد ما برای فاصله‌گذاری اجتماعی در بسیاری از جاها در بهترین حالت مصمصانه نبوده

است و خیلی پیش از آنکه بیماری به اندازه کافی کنترل شود این محدودیت‌ها شل شده‌اند و در اکثر بخش‌های کشور، مردم از ماسک استفاده نمی‌کنند و این امر عمدتاً به این دلیل است که رهبران‌مان به‌صراحت اظهار کرده‌اند که ماسک، بیش از آنکه ابزار مؤثری در کنترل بیماری باشد، ابزاری سیاسی است. دولت به‌درستی برای تولید واکسن پڑوهشی زیست‌پزشکی برخورداریم که رشک جهان را برمی‌انگیزد. ما تجربه زیادی در بهداشت عمومی، سیاست‌گذاری بهداشتی و زیست‌شناسی پایه داریم و همیشه توانسته‌ایم آن ظرفیت‌ها را به درمان‌ها و اقدامات پیشگیرانه جدید تبدیل کنیم. بخش اصلی این ظرفیت‌های ملی در دِهران‌مان این بوده است و می‌توانیم برای این ظرفیت‌ها جای دارند. با این حال، انتخاب دولتی جای دارند. با این حال، انتخاب دولتی جای دارند. با این حال، انتخاب دولتی جای دارند.

تجربه آمریکایی؛ مُردن در خلأ مدیریت

کشور، مردم از ماسک استفاده نمی‌کنند و این امر عمدتاً به این دلیل است که رهبران‌مان به‌صراحت اظهار کرده‌اند که ماسک، بیش از آنکه ابزار مؤثری در کنترل بیماری باشد، ابزاری سیاسی است. دولت به‌درستی برای تولید واکسن سرمایه‌گذاری زیادی کرده است اما

لحن و نحوه گفتارش درباره آن سیاسی شده و باعث افزایش بی‌اعتمادی عمومی در این زمینه شده است. ایالات متحده در شرایطی وارد این بحران شد که از بسیاری امتیازها برخوردار بود. در کنار ظرفیت تولیدی بسیار بالا، ما از نظام پژوهشی زیست‌پزشکی برخورداریم که رشک جهان را برمی‌انگیزد. ما تجربه زیادی در بهداشت عمومی، سیاست‌گذاری بهداشتی و زیست‌شناسی پایه داریم و همیشه توانسته‌ایم آن ظرفیت‌ها را به درمان‌ها و اقدامات پیشگیرانه جدید تبدیل کنیم. بخش اصلی این ظرفیت‌های ملی در

مؤسسات دولتی جای دارند. با این حال، انتخاب رهبران‌مان این بوده است که نظیر متخصصان را از نادیده بگیرند یا حتی تحقیر و بدنام کنند. پاسخ رهبران کشورمان در برابر این همه‌گیری همواره و به‌طور ثابتی ناکافی بوده است. دولت فدرال عمدتاً کنترل بیماری را به ایالت‌ها وائنهاده است. واکشن فرمانداران ایالت‌های مختلف متفاوت بوده است و این تفاوت بیش از آنکه به وابستگی حزبی‌شان مرتبط باشد، به توانمندی‌شان ارتباط دارد. اما توانمندی فرمانداران هر چقدر هم که باشد، آنان ابزارهایی را که در کنترل واشنگتن است، در اختیار ندارند. دولت فدرال به‌جای آنکه از این ابزارها استفاده کند، آنها را تضعیف کرده است. مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها (CDC)، که پیشروترین سازمان واکشن به بیماری‌ها بود، از درون تهی و تضعیف شد و در زمینه آزمایش و سیاست‌گذاری دچار نارسایی‌های چشمگیر شده است. مؤسسات ملی سلامت نقشی اساسی در تولید واکسن داشته‌اند اما از دایره تصمیم‌سازی‌های اصلی دولت بیرون نهاده شده‌اند و سازمان غذا و دارو (FDA) به شکل شرم‌آوری سیاست‌زده شده است و به نظر می‌رسد که به‌جای عمل‌کردن بر اساس شواهد علمی، به فشارهای اجرایی گردن می‌نهد. رهبران کنونی ما اعتماد را در علم و در دولت تضعیف کرده‌اند و صدماتی را به بار آورده‌اند که قطعاً بعد از خودشان ادامه خواهد داشت. دولت، به‌جای آنکه این متخصصان به «هبران فکری» نامطع و شارلاتان‌هایی رو آورده است که حقیقت را می‌پوشانند و دروغ‌های آشکار را ترویج می‌کنند.

بگذاردی راجع به هزینه انجام‌دادن اقدامات ساده آشکار صحبت کنیم. طغیان بیماری که به میزانی نامتناسب گروه‌های جمعیتی رنگین‌پوستان را تحت تأثیر قرار داده، باعث تشدید تنش‌های مرتبط با نابرابری شده است. بسیاری از فرزندان‌مان در دوره حساس رشد اجتماعی و فیزیکی‌شان از رفتن به مدرسه وامانده‌اند. از زحمات فراوان متخصصان مراقبت‌های سلامت که جان خود را در این راه نهاده‌اند، به شکلی خردمندانه استفاده نشده است. رهبری کنونی ما به اقتصاد افتخار می‌کند، درحالی‌که اغلب بخش‌های دنیا با حدودی بازگشایی ر انجام داده‌اند، نرخ بالای بیماری در ایالات متحده همچنان مانع از بازگشایی بسیاری از کسب‌وکارها شده است که نتیجه‌اش ازدست‌رفتن میلیاردها دلار سرمایه و میلیون‌ها شغل بوده است. به علاوه، بسیاری از آمریکایی جان خود را در دست داده‌اند. بخشی از مرگ‌ومیر ناشی از کووید۱۹ گریزنایذیر بوده است ولی اگرچه برآورد دقیق تعداد مرگ‌های اضافی ناشی از سیاست‌های دولتی ضعیف و نامتناسب ناممکن است. اما این میزان حداقل ده‌ها هزار نفر بوده است. ده‌ها هزار مرگ اضافی در یک همه‌گیری جهانی که تا همین حالا باعث تلفاتی در آمریکاییان شده که از هر تنش و جنگی از زمان جنگ جهانی دوم بیشتر بوده است. اگر هر کس دیگری این چنین بی‌پروا جان و مال مردم را تلف می‌کرد، پیامدهایی قانونی در انتظارش بود. رهبران‌مان در برابر رفتارهای خود اظهار مصونیت کرده‌اند. اما انتخابات پیش‌رو به ما امکان می‌دهد که داوری کنیم. مردمان خردمند قطعاً با بسیاری از مواضع سیاسی که نامزدها اتخاذ کرده‌اند، مخالف‌اند اما حقیقت نه لیبرال است و نه محافظه‌کار. درخصوص واکشن نسبت به بزرگ‌ترین بحران سلامت عمومی در زمانه ما، رهبران سیاسی فعلی‌مان نشان داده‌اند که به شکل خطرناکی بی‌فکایت‌اند. ما نباید بارش‌های کنیم و اجازه دهیم در جایگاه خود باقی بمانند و به این طریق بتوانند باعث مرگ هزاران آمریکایی دیگر شوند.

«نیواگلند جورنال آو مدیسین، ۸ اکتبر ۲۰۲۰»

تحلیل

روزگار کرونایی

جولان پاییزی کرونا در جهان

• پاندمی در آمریکا و اروپا رو به گسترش است. فرانسه برای یک ماه مقررات شدید اعمال می‌کند. اسپانیا حالت فوق‌العاده را تا ماه می آینده تمدید کرده است. در آمریکا موج ابتلای روزانه به ویروس برای اولین‌بار بالای ۹۰ هزار نفر رفت، فرانسه از بامداد جمعه (۳۰ اکتبر) برای یک ماه مقررات تعطیلی نسبی زندگی عمومی را به اجرا می‌گذارد. شهروندان باید در خانه بمانند و اجازه دارند فقط برای خرید مواد غذایی، مراجعه به پزشک و حوادثی که ساعت ورزش روزانه از خانه خارج شوند. مقام‌های فرانسه، از جمله رئیس‌جمهور امانوئل مکرون، از مردم خواسته‌اند هرچه بیشتر در خانه بمانند و بدون دلیل بیرون نروند «چون ویروس با شتابی بی‌سابقه» جولان می‌دهد. افراد شاعل که امکان دورکاری را ندارند می‌توانند با رعایت مقرراتی ویژه به سر کار بروند. تمام بارها و رستوران‌ها تعطیل خواهند بود. در دانشگاه‌ها به روی دانشجویان بسته هستند؛ اما مدرسه‌ها همچنان باز خواهند بود. مسافرت به سایر نقاط کشور با محدودیت‌هایی مجاز است اما به شهروندان توصیه شده از مسافرت بی‌جهت پرهیز کنند. اسپانیا تا می ۲۰۲۱ مقرراتی شدید اعلام کرده است. روز پنجشنبه (۲۹ اکتبر) پارلمان مقررات وضعیت ویژه را تصویب کرد که به شهرها و مناطق هرچه بیشتری اجازه می‌دهد دروازه‌های ورود و خروج را مسدود کنند. از روز پنجشنبه بسیاری از منطقه‌های خودگردان» به حالت محصور درمی‌آیند، به‌گونه‌ای که شهروندان اجازه دارند تنها با دلایلی موجه محل سکونت خود را ترک کنند. سازمان بهداشت جهانی نسبت به پیامدها و عوارض منفی تعطیلی زندگی روزانه به‌ خاطر مقابله با کرونا هشدار می‌دهد. به نظر این سازمان، مقررات شدید می‌تواند زنجیره ابتلا به بیماری را تضعیف کند اما به بهایی سنگین تمام می‌شود، زیرا می‌تواند فشارهای روانی و کشمکش‌های خانوادگی را افزایش دهد. پیامدهای اقتصادی تعطیلی کامل زندگی روزمره نیز عواقبی نمایان دارد، بنابراین از دولت‌ها خواسته شده است که تعطیلی کامل زندگی روزمره را با احتیاط اعمال کنند. این سازمان تأیید می‌کند که قاره اروپا در حال حاضر به کنون اصلی پاندمی کرونا تبدیل شده است. با وجود این، اوزرولا فون‌درلین، رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا، امیدوار است که موج دوم کرونا به سسته‌شدن مرزهای داخلی اروپا منجر نشود. فون‌درلین گفته است که تعطیلی مرزها در موج اول گسترش کرونا در بهار گذشته فشار مستکنینی به اقتصاد وارد کرد و باید تا جای ممکن از آن پرهیز کرد. او در عین حال انتقاد کرد که با فراسرپاشی تابستان، در بسیاری از کشورهای اروپایی به شکلی زودهنگام مقررات سبک شده یا برداشته شده است. او تصریح کرد: «همه باید متوجه باشیم که تا پیش از تولید و پخش واکسن کرونا و رسیدن به ایمنی، ناچاریم با ویروس و گسترش آن مقابله کنیم؛ بنابراین در برداشتن مقررات باید با احتیاط فراوان عمل کنیم» اما آمریکا هم موج پاییزی کرونا قربانان زیادی گرفته است. مسئله‌ای که به دستاویزی انتخاباتی هم بدل شده است. در فهرستی که کاخ سفید از «موقعیت‌ها و دستاوردهای رئیس‌جمهور» ارائه داده، از پیکار دونالد ترامپ با گسترش کرونا و «پیروزی بر پاندمی» سخن رفته است. این در حالی است که شیوع ویروس کرونا در کشور به بالاترین حد خود رسیده است. بنا بر گزارش دانشگاه جانز هاپکینز در روز پنجشنبه در یک روز ۹۱ هزار و ۲۹۵ نفر در ایالات متحده به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند. برای نخستین‌بار آمار روزانه ۹۰ هزار ابتلای تازه بالا رفت. بالاترین نرخ ابتلا به کرونا تا امروز در هاله به ثبت رسیده است. این کشور در ۱۷ سپتامبر از نزدیک ۹۸ هزار ابتلای تازه در ۲۴ ساعت به ویروس کرونا گزارش داد. ایالات متحده اما، بنا بر آمار دانشگاه جانز هاپکینز، با نزدیک ۵ میلیون ابتلای ثبت‌شده، در سطح جهان همچنان بالاترین میزان گسترش آلودگی را نشان می‌دهد. با وجود این واقعیات، دونالد ترامپ، همچنان از وضع مقررات شدیدی در کشور امتناع می‌ورزد. او روز پنجشنبه در تلفظی انتخاباتی در ایالت فلوریدا، با اشاره به مقررات و محدودیت‌های اعلام‌شده در آلمان و فرانسه، تأکید کرد: «ما هرگز تعطیلی نخواهیم داشت».

زنان

شیوع کرونا شکل این کمپین تغییراتی یافته است و با HeForSheHome در مورد لزوم تقسیم وظایف کار خانگی، مسئولیت‌های اداره خانه از قبیل شست‌وشو، خرید، رسیدگی به فرزندان و پختن غذا آگاهی‌رسانی می‌کنند تا این تصویر که «زنان به خانه تعلق دارند و باید در خانه بمانند» پاک‌ترشک و کمک کنند زنان فضا و فرصت بیشتری برای رشد، تحصیل و دستیابی به موقعیت‌های بهتر اجتماعی به دست آورند. اما واقعیت این است که با وجود این تلاش‌ها اگر با سرعت فعلی در مورد کاهش تبعیض جنسی حرکت کنیم، بیش از ۲۵۰ سال طول می‌کشد تا شکاف تبعیض جنسیتی بین زنان و مردان بسته شود. این کارزار به ۱۰ زن زند دنیا از جمله عربی و ترکی فعالیت دارد و تاکنون بیش از ۲.۵ میلیون نفر همراهش شده‌اند و هرکسی می‌تواند تجربه‌هایشان در همراهی با زنان علیه خشونت و تبعیض جنسیتی را با دیگران به اشتراک بگذارد.

وقتی کسی استقبال نمی‌کند

درحالی‌که کرونا سراسر جهان را تسخیر کرده است، زنان در این میان آسیب بیشتری دیده‌اند؛ به دلیل تقسیم کار جنسیتی، کار خانگی و مسئولیت‌های مراقبتی، عمدتاً زنانه قلمداد می‌شود و همین نقش‌های جنسیتی، یعنی وظایف و انتظاراتی که بر عهده هر یک از دو جنس گذاشته شده، می‌تواند زنان را از ورود به بازار کار یا پیشرفت در عرصه شغلی بازدارد. در یکی از آخرین نظرسنجی‌های مرکز آمار ایران فعالیت‌های خانهداری توسط مردان ۱۵ساله و بیشتر در کشور برابر با یک‌ساعت‌و ۱۷ دقیقه و برای زنان پنج‌ساعت‌و ۲۵ دقیقه است. همچنین زنان جوان تا ۱۵ تا ۲۴ساله به‌طور متوسط فقط ۳۴ دقیقه در روز به کار و فعالیت‌های شغلی و چهارساعت‌و پنج دقیقه به فعالیت‌های خانهداری می‌پردازند. درحالی‌که مردان جوان دوساعت‌و ۳۹ دقیقه را به امور شغلی و تنها یک‌ساعت‌و ۱۷ دقیقه را به خانه‌داری اختصاص